



• نوشته: پک اوری PAUL OVERY • ترجمہ: دکتر فرہاد ساسانی

ہنر و عکاسی

ART AND PHOTOGRAPHY

“YOU PRESS THE BUTTON,
WE DO THE REST”

● ا.ج. مایبریج

دوربین‌های ویژه‌ای برای عکسبرداری از انسان
با هدف ایجاد «اطلسی» از حرکات برای استفاده هنرمندان
طراحی کرد.

دیگران با دیدن آن بی‌درنگ و مشتاقانه

از آن استفاده کردند.

عکس‌های او شیوه‌بازنمایی نقوش جانوری و انسانی را
در نقاشی دگرگون ساخت.

عکاسی را به صورت دائمی ثابت نگه داشت. نخستین عکسی که باقی مانده است در سال ۱۸۲۶ گرفته شده است. او محتاطانه شریک لوشی داکر (A) شد که سوداگر و نقاشی واقع‌گرا (رنالیست) بود که در ساخت صحنه آپرا تخصص داشت؛ داکر همچنین یکی از مالکان دیوراما (Diorama) بود، که یکی از دیدنی‌های محبوب سده نوزدهم به شمار می‌آید که با استفاده از نقاشی‌های ژرفانمایانه (illusionistic) بر روی تور و نور چشمگیر ایجاد می‌شد (سلف سینما). داکر متوجه امکان عکاسی شده بود و در عین حال با اتاق تاریک آزمایش می‌کرد تا نقاشی‌هایی به صورت دیوراما پدید آورد. نی‌پس پس از گذشت تنها چهار سال از شراکتشان در ۱۸۳۳ درگذشت. داکر پس از مرگ نی‌پس این فرآیند را کامل کرد و در ۱۸۳۹ آن را به جهان معرفی نمود.

در ضمن ریاضی‌دان و زبان‌شناس ویلیام فاکس تالبوت (۹) (۱۸۰۰-۷۷) نیز تقریباً در همین راستا کار می‌کرد. او کوشیده بود تا طرح کرانه‌های دریاچه کومو در ایتالیا را با استفاده از اتاق روشن (camera lucida)، وسیله ترسیمی کمکی بصری دیگری برای انداختن تصویر بر روی صفحه‌ای از کاغذ، بکشد. فرآیند مثبت و منفی تالبوت سلف عکاسی امروزی به حساب می‌آید، اما فرآیند زیبا ولی محدود داکر به بن‌بست رسید.

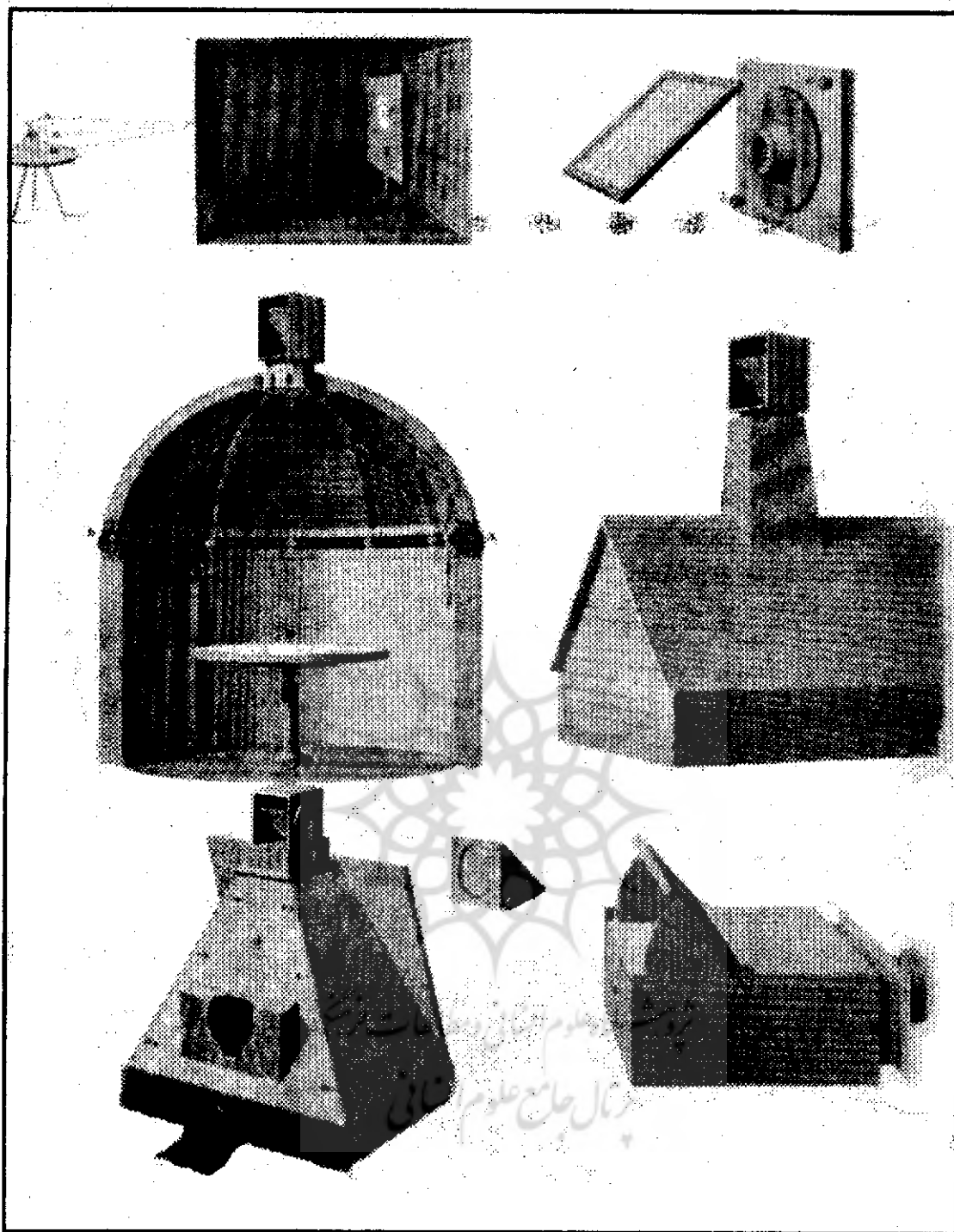
زمانی که فرآیند داکر در سال ۱۸۳۹ معرفی شد، نقاش آکادمیک فرانسوی، پُل دِلاروش (۱۰)، اظهار کرد که «از این پس، نقاشی مرده است». در واقع، به ویژه در نخستین سال‌ها، نقاشی باید از عکاسی بسیار تغذیه می‌شد و عکاسی باید عمیقاً از نقاشی تاه‌ثیر می‌پذیرفت. در فرانسه، نقاشانی مانند دلاکروآ (۱۱) و انکر (۱۲) از عکس‌ها برای نقش‌ها و چهره‌نگاره‌های درون ترکیب‌بندی‌هایشان استفاده کرده و در برخی موارد از آنها

دوربین نه در آغاز سده نوزدهم، بلکه چندین قرن پیش اختراع شد و هنرمندان از زمان رنسانس به بعد از آن استفاده کردند. «اختراع» عکاسی در دهه‌های ۱۸۲۰ و ۱۸۳۰ صرفاً کشف راه‌هایی بود که به واسطه آنها تصویری که در دوربین شکل می‌گرفت به صورت دائم روی کاغذ یا فلز ثابت می‌ماند.

لئوناردو داوینچی (۱۵۱۹-۱۴۵۲) اتاق تاریک (camera obscura) را توصیف کرد و جووانی باتیستا دل‌پورتا (۱) در ۱۵۵۸ نخستین گزارش را در مورد این دستگاه کمکی صنعتگران منتشر ساخت. اتاق تاریک در ابتدا واقعاً اتاقی بود که فردی وارد آن می‌شد و تصویری را که از میان سوراخ کوچک روی یکی از دیوارها بر روی دیواری دیگر انداخته می‌شد می‌دید.

در سده هفدهم، بسیاری از نقاشان، و به احتمال قریب به یقین از جمله ورمیر (۲) و ولاسکس (۳)، از اتاق تاریک استفاده کردند. نقاشی‌هایشان جلوه‌های بصری و عمق‌نمایی خاصی را نشان می‌دهد که از طریق لنز اتاق تاریک به وجود می‌آمده است و کاملاً با جلوه‌هایی که با چشم غیرمسلح دیده می‌شود متفاوت است. نقاشان ونیزی سده هجدهم، به ویژه نقاشی کانالتو (۴) و برادرزاده‌اش برناردو پلوتو (۵)، و نیز فرانسسکو گوآردی (۶)، از اتاق تاریک استفاده کردند. چشم‌اندازهای پلوتو از ورشو با استفاده از اتاق تاریک از دقت نقشه‌نگاری زیادی برخوردار است؛ پس از جنگ جهانی دوم نیز از آن برای بازسازی مرکز این شهر قدیمی استفاده شد. بسیاری از ویژگی‌های خاص منظره‌نگاره‌های سده‌های هفدهم و هجدهم، و نیز مناظری از شهرک‌ها و شهرها مدیون، اتاق تاریک است.

مخترع فرانسوی، ژوزف نیسافر نی‌پس (۷) (۱۷۶۵-۱۸۳۳) نخستین کسی بود که یک تصویر



اتاق تاریک

این صفحه گراوور

مربوط به اوایل سده نوزدهم است

و انواع گوناگون اتاق تاریک را نشان می دهد.

از اتاق تاریک شده بنیادین با سوراخی که

از میان آن پرتوهای نور می گذشت

تا تصویری معکوس را به وجود آورد گرفته

تا گونه های «پرسیکوپ» یا «Periscope»

و مدل های قابل حمل برای هدسی

که اسلاف بلافاصله دوربین عکاسی هستند.



دخترکی با فلوت
انریان ورمیر،
رنگ روغن روی تخته،
۲۰×۱۸ سانتیمتر (۸×۷ اینچ)،
۱۶۶۵
نگارخانه ملی هنر،
واشنگتن
ورمیر
به احتمال قریب به یقین
از اتاق تاریکی
با عدسی‌های
دارای قانون بلند
استفاده کرده است
که مشابه گونه‌هایی است
که عکاسان
امروزه
برای عکس گرفتن
از آنها بهره می‌برند.
تاثیر آن
سطح کربن عمق نمایی است
تا نقش فرد
نسبت به پس زمینه
برجسته تر شود.

(۱۸۰۸.۷۹)، برای ارضای نیاز بورژوازی جدید به واقعیت‌نمایی عکاسی را در چند کاریکاتور به صورت طنز درآورد. «عکاسی»، که به نظر می‌رسد از امریکان‌شاءت گرفته باشد، در فرانسه، انگلیس و آلمان نیز انجام می‌گرفت؛ در مونیخ آلمان، هنرمندان فرانتس لِنباخ (۲۰) (۱۹۰۴ - ۱۸۳۶) و فرانتس فون اشتوک (۲۱) (۱۹۲۸ - ۱۸۶۳) از عکاسی برای کشیدن چهره‌نگاره‌هایشان استفاده کردند.

یک عکس را بر روی بوم بزرگ می‌کردند و سپس رویش نقاشی می‌کشیدند. این کار از چهره‌نگاره‌ای واقعی که مستلزم حالت‌های زیادی از یک مدل زنده بود ارزان‌تر تمام می‌شد و «اصیل‌تر» بود. همچنین «پیکره‌های عکس‌گونه» (۲۲) نیز وجود داشت که با یک پانتوگراف و یک مجموعه عکس از زوایای مختلف به وجود می‌آمد.

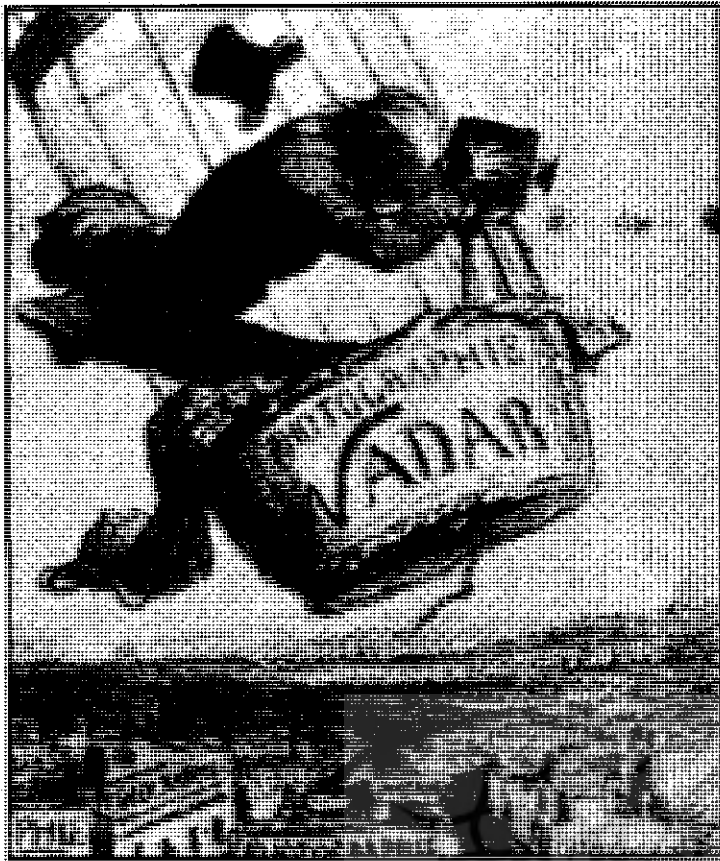
هنرمندانی نیز بودند که برای کمک به نقاشی‌شان عکس می‌گرفتند و در این راستا عکس‌های باشکوهی به دست دادند. دیوید اوکتاویوس هیل (۲۳) (۱۸۰۲.۷۰)، یک منظره‌نگار اسکاتلندی کوچک، از جمله بهترین این هنرمندان بود.

نادار کار خود را به عنوان چهره‌نگار و

به جای طراحی بدن برهنه استفاده نمودند. انگر درباره عکاسی می‌گوید «ستودنی است ولی نباید آن را پذیرفت.» او احتمالاً از عکس‌های عکاس بزرگ فرانسوی، نادار (۱۳) (گاسپار فلیکس تورناشون) (۱۴)، برای چهره‌نگاره‌های واقع‌گرایانه (رنالیستی) دقیقش استفاده کرده است او یکی از نخستین نقاشانی بوده که اجازه داده است تا آثارش از طریق عکاسی ثبت شود.

دلاکروآ عکس‌هایی از مردان و زنان را به عنوان مدل حالت‌های مختلفش که برای نقاشی و ترسیم احتیاج داشت سفارش می‌داد. میه (۱۵)، که او نیز از عکس استفاده کرد، آنها را همچون قالب‌هایی از طبیعت توصیف می‌کند که می‌تواند به هنرمند کمک کند، ولی نباید جایگزین مشاهده شود. کوربه (۱۶) و مانه (۱۷) نیز از عکس فراوان استفاده کردند. در انگلیس نیز نقاشان، به ویژه رافائلیان و معاصرانشان و نقاشان واقع‌گرای اواخر سده نوزدهم، گاه شدیداً به عکس تکیه می‌کردند. والتر سیکرت (۱۸) (۱۸۶۰-۱۹۴۲) در سال‌های آخر عمرش کاملاً آشکارا چهره‌نگاره‌هایی را از روی عکس‌های روزنامه‌ها نقاشی کرد.

کاریکاتوریست فرانسوی، اونوره دومیه (۱۹)



نادار
عکاسی را تا اوج هنر بالا می برد،
تصویر چاپی را آتوره گومیه،
که در ۲۵ می ۱۸۲۲
در Le Boulevard
منتشر شده است.
عکاس فلکس تورناشون،
معروف به نادار
نخستین عکس های هوایی را
از بالونی بر فراز پاریس گرفت.
دومیه، دوست نادار،
در زمانی
این کاریکاتور را تهیه کرد که
عکاسی در پاریس سده نوزدهم
بی نهایت مد شده بود
و این را می توان
از ساختمان هایی که
حامل ولایه عکاسی (Photographie)
هستند فهمید.
نخستین نمایشگاه
امپرسیونیستی در ۱۸۷۲
در کارگاه نادار
واقع در پاریس
برگزار شد.

نقاشان و پیکره تراشان. روان شناس فرانسوی،
ژول. اتن ماری (۲۶) (۱۸۳۰-۱۹۰۴)، تکنیکی مشابه
را کامل کرده ولی به جای نشان دادن تعدادی
عکس بر روی صفحات مختلف، چنان که کل
مجموعه شبیه فریم های یک فیلم سینمایی به نظر
رسد. کاری که قبلاً مایبریج انجام داده بود. ماری
حرکات چندگانه را روی یک صفحه ثبت کرد.
در اواخر سده نوزدهم دو تحول حساس رخ
داد. در ۱۸۸۸ جورج ایستمن (۲۷) فیلم حلقه ای
(۲۸) و دوربین جعبه ای (۲۹) را کامل کرد و آن را
«گداک» نامید. کار با آن ساده و ارزان بود. شعار
او این بود: «دکمه را فشار دهید، بقیه اش با ما». عصر
عکاسان آماتور آغاز شده بود. واکنش
حرفه ای ها تا آنکه بر عکاسی به عنوان هنری زیبا
و نیز به کارگیری اسلوب های پیچیده، دشوار و
پرهزینه در تاریخ خانه بود، مانند پلاتینوم (۳۰)
و چاپ های صمعی (۳۱) که ظاهراً طرح ها یا حتی
نقاشی های بی نهایت بر کار را به عکس هایشان
می بخشید.

تحول دیگر تکمیل روند تکثیر مکانیکی
عکس ها (۳۲) بود، که از طریق آن می شد عکس ها

کاریکاتور است آغاز کرد. در ۱۸۵۴ مشاهیر نامه
نادار (۲۳) را منتشر کرد که تصویر چاپی عظیمی
است متشکل از ۲۸۰ کاریکاتور از افراد پرآوازه آن
زمان. از بسیاری از نویسندگان، هنرمندان،
بازیگران و آهنگسازان معاصر خود عکس گرفت.
همچنین در سال ۱۸۵۶ نخستین عکس های هوایی
را از یک بالون گرفت. او همچنین نخستین کسی
بود که با نور مصنوعی، با تصویربرداری از
فاضلاب ها و گورهای دخمه ای (Catacombs)
پاریس، عکس تهیه کرد.

در حدود ۱۸۶۰، «عکاسی فوری» با شاترهای
سریع تر امکان پذیر شد. در دهه ۱۸۷۰، رادورد ج.
مایبریج (۲۵) (۱۸۳۰-۱۹۰۴)، عکاسی انگلیسی که
به آمریکا مهاجرت کرده بود، عکس های معروفش
از اسب ها و سپس دیگر جانوران و انسان های در
حال حرکت را ارائه نمود. تصویرهای او شیوه
نقاشان را در به تصویر کشیدن اسب های در حال
تاخت دگرگون ساخت و استیلای حالت های دیرین
و جاافتاده را بر نقاشی افراد مختلف کمرنگ کرد.
طرح های مایبریج از مردان و زنان در حال انجام
همه نوع فعالیت جسمانی کمکی بود ارزشمند به



شاه ادوار هشتم
 اثر والتر سیکرت،
 رنگ روغن روی بوم،
 ۱۸۳×۹۳ سانتیمتر (۷۲×۳۶ اینچ)،
 ۱۹۳۶،
 نگارخانه هنری فدریک بیور پروک،
 نیویورک، نیوجرسی،
 سیکرت
 در اواخر عمرش
 چند اثر مانند این را
 بر اساس
 عکس های روزنامه
 نقاشی کرد.
 به نظر می رسد
 این آثار
 پیش درآمد
 نقاشی های هنرمندان
 پس از جنگ
 مانند آندی وار هول (Andy Warhol)
 و
 ریچارد همیلتون (Richard Hamilton)
 باشد.

1
 عکس از
 یک مدل اثر
 اوژن دوریو
 (Eugene Durlieu)
 در ۱۸۵۳،
 آلبوم دلاکروآ،
 کتابخانه ملی،
 پاریس.

2
 کینز (Odalisque)
 اثر دلاکروآ،
 رنگ روغن روی تخته،
 ۳۶×۳۰ سانتیمتر (۱۴×۱۲ اینچ)،
 ۱۸۵۷،
 مجموعه استراوروس نیارخوس
 (Niarchoa Collection)،
 پاریس.

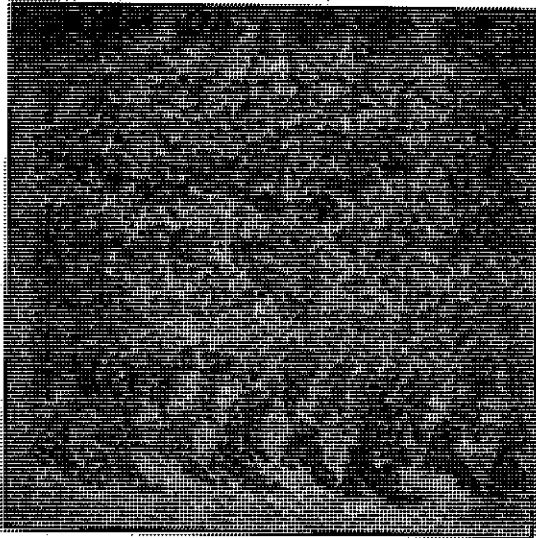
نقاش، کینز را
 احتمالاً به کمک این عکس
 نقاشی کرده است،
 که یکی از چند عکسی است
 که دلاکروآ
 به دوریو (Durlieu)
 اهل دی پ (Dieppe)
 سفارش داده بود.
 دلاکروآ
 یکی از هنرمندان
 سده نوزدهم بود
 که آشکارا از عکاسی
 استقبال کرد
 و مستقیماً آن را
 به کار گرفت.



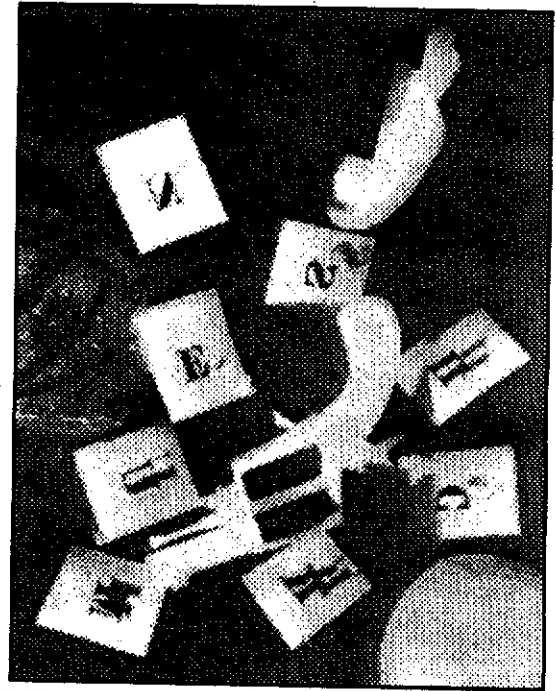
1



2



دختری در بالکن می دود
اثر جاکومو بالآ
(Giacomo Balla)
رنگ روغن روی بوم،
۱۲۸×۱۲۸ سانتیمتر (۵۰×۵۰ اینچ)، ۱۹۱۲،
موزه هنر نوین، میلان.
فوتوریست ها بسیاری از تصویرهایشان را از حرکات از عکس های
متوالی مایبریج و ماری (Marey) الگو برداری کردند.
بالآ برای این که تصویر دخترش را که در بالکن آپارتمانشان در رم
می دوید نقاشی کند،
تصویرش را چندین بار تکرار نمود تا حرکت را القا کند.



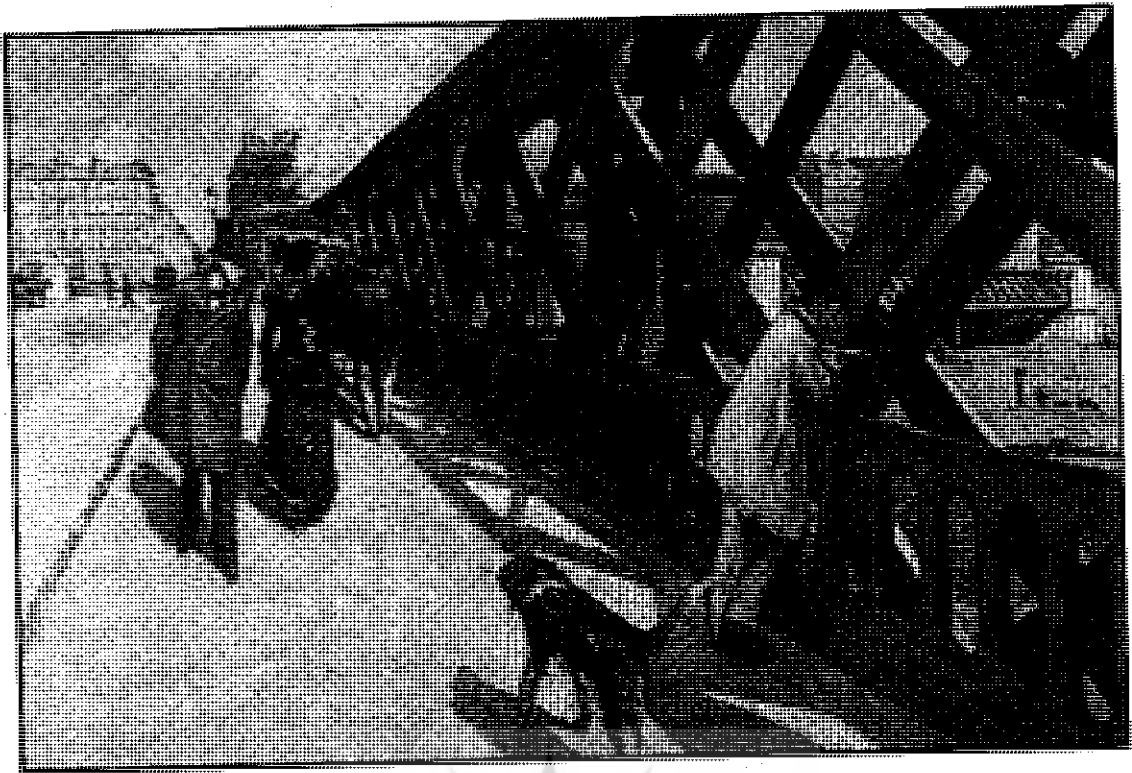
فوتوگرام اثر هان ری،
مربوط به دهه ۱۹۲۰،
که بدون استفاده از دوربین و با قراردادن اشیاء واقعی بر روی
کاغذ چاپ عکاسی و نور دادن به آن به دست آمده است.
اشیاء به صورت نگاتیو روی کاغذ ثبت شده اند.
شماری از عکاسان هنرمند در دهه ۱۹۲۰ این اسلوب را آزمایش کردند.

ساخته می شد. هنرمندان داداشیست، به ویژه در
آلمان درست پس از جنگ جهانی نخست، دو یا
چند عکس را به هم می چسباندند تا «فتمونتاز»
(عکس تکه چسبانی) بسازند که از آنها به صورت
طنزآمیز یا دوست ستیزانه استفاده می کردند.
هنرمند گرافیک آلمانی، جان هارتفیلد (۲۴) (۱۹۶۸-
۱۸۹۱)، طی دهه ۱۹۳۰ فتمونتاز را به عنوان سلاح
تبلیغاتی قدرتمندی علیه نازی ها به کار گرفت.
درست همان طور که عکس جایگزین ترسیم و
گراور در مجلات و روزنامه ها شده بود،
فتمونتاز نیز رقیب کاریکاتور سیاسی گشت،
اگرچه جایگزین آن نشد. طراحان هنرمند روسی،
ال لیسیتزکی (۲۵) (۱۹۴۱-۱۸۹۰) و الکساندر
رودچنکو (۲۶) (۱۹۵۶-۱۸۹۱) از فتمونتاز در
صفحه آرایی اصیل و شگفت خود استفاده کردند
که در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ بر تبلیغات و طراحی
گرافیک اروپای غربی تأثیر گذاشت.

طراح هنرمند مجاری، لاسلو موهوی - نودی
(۲۷) (۱۹۴۶-۱۸۹۵)، در برلین، در مدرسه بوهوس
(۲۸) واقع در وایمار (۲۹) و دیسو (۴۰)، و سپس

را به سرعت و ارزان در کتاب ها و مجلات تکثیر
کرد. برخی از نخستین کتاب های مصور -
تصویرهای چاپی چسبناکی یا عکس برگردان -
روی صفحه ها. کتاب هایی درباره هنر بودند. در
دهه ۱۸۵۰ شیوه های تکثیر عکس توسعه یافته
بود، هر چند تا دهه ۱۸۸۰ همچنان گران بود.
شرکت های عکاسی کم کم در تولید عکس و تکثیر
آثار هنری تخصص یافتند. شاید معروف ترین آنها
برادران آلیناری (۲۳) فلورانس بودند که آثارشان
بر تحول مطالعات تاریخی هنر در سده های نوزدهم
و بیستم تأثیر گذاشت. سرانجام تمام آثار هنری
از طریق تکثیرشان در دسترس همگان قرار گرفتند.
مقیاس آثار هنری بی اهمیت شد و به این ترتیب
مینیاتور توانست با دیوارنگاره رقابت کند. سلسله
مراتب قدیمی هنر از هم گسیخت.

از همان روزهای نخست تاریخ عکاسی، عکاسان
عکس ها را از روی چند نگاتیو - آسمان را از روی
یک نگاتیو، افراد را از روی نگاتیوی دیگر، منظره
را از روی نگاتیو سوم و غیره - چاپ می کردند.
تصاویر خبری و تاریخی جعلی نیز از این طریق



پلاروپا اثر گوستاو گیلبوت (Gallebotte Gustave)،
رنگ روغن روی بوم، ۱۸۱۱×۱۳۱ سانتیمتر (۱۷۱×۵۲ اینچ)، ۱۸۷۶،
کاخ کوچک (Petit Palais)، ژنو.

این نما از پل آهنی بزرگ روی مسیر راه آهنی که به ایستگاه سن لازار (Gare St Lazare) پاریس منتهی می‌شود به احتمال قریب به یقین با کمک عکس نقاشی شده است. برادر گیلبوت، مارشال (Marshall)، نیز یک عکاس آماتور علاقه مند بود.

شاید آینده عکاسی به هنرمندان و آماتورها و نه به اصطلاح حرفه‌ای‌ها بستگی داشته باشد.

در لندن و شیکاگو به شیوه‌ای مشابه کار کرد. حول و حوش همین زمان موهوی - نودی مانند دو هنرمند دیگر، کریستین شاد (۴۱) و مان ری (۴۲)، روی عکاس‌هایی که بدون دوربین و با قراردادن اشیاء مختلف بر روی صفحه چاپ عکاسی و نور دادن به آن به دست می‌آمد، کار کرد. موهوی - نودی این عکس‌های بی‌دوربین را «تصویرنگار (فتوگرام)» نامید. موهوی - نودی همچنین چند عکس مستند مستقیم زیبا گرفت و با نماهایی از زوایای غیر معمول یا مرتفع به آزمایش پرداخت. زمانی طی دهه ۱۹۲۰ در بوئوس، معتقد بود که عکاسی جایگزین نقاشی بازنمودی خواهد شد.

دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ دوران بزرگ گزارشگری و عکاسی مستند بود. ولی از زمان جنگ جهانی دوم به بعد بسیاری از مجلات تصویری مانند پیکچرپست (۴۳) و لایف (زندگی) (۴۴)، که از چنین تصویرهایی استفاده می‌کردند، تعطیل شده‌اند. هنرمندان روزبه‌روز بیشتر به استفاده مستقیم یا غیرمستقیم از عکاسی روی آورده‌اند و اکنون

پاورقی‌ها:

- ۱) Giovanni Battista della porta (۲) Vermeer
- ۲) Velasquez (۳) Canaletto (۵) Bernardo Bellotto
- ۳) Velasquez (۳) Canaletto (۵) Bernardo Bellotto
- ۴) Francesco Guardi (۷) Joseph Nicphore Nipce
- ۵) Louis Daguerre (۹) William Fox Talbot
- ۶) Paul Delaroche (۱۱) Ingres (۱۲) Delacroix
- ۷) Nadar (۱۳) Gaspard Felix Tournachon (۱۵) Millot
- ۸) Courbet (۱۷) Manet (۱۸) Walter Sickert
- ۹) Honor Daumier (۲۰) Franz Lenbach
- ۱۰) Franz von Stuck (۲۲) PhotoSculpture
- ۱۱) David Octavius Hill (۲۳) Le Panthon Nadar
- ۱۲) E.J. Muybridge (۲۶) Jules tienna Marey
- ۱۳) George Eastman (۲۷) roll film
- ۱۴) box camera (۲۹) gum prints (۳۰) platinum
- ۱۵) photo mechanical (۳۲) Allinari
- ۱۶) John Heartfield (۳۳) El Lissitzky
- ۱۷) Alexander Rodchenko (۳۶) Laszlo MoholyNagy
- ۱۸) Bauhaus (۳۹) Wlmar (۴۰) Dessau
- ۱۹) Christian Schad (۴۱) Man Ray (۴۲) Picture Post
- ۲۰) Life (۴۳)